

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



Atlantic Council

مذاکره با ایران و تصمیم برای حمله نظامی

دو دلیل اصلی وجود دارد که نشان می‌دهند گزینه نظامی نسبت به چند دهه گذشته از تنش میان تهران و واشنگتن، اکنون محتمل‌تر شده است. نخست، پیامد حملات تلافی‌جویانه اسرائیل به ایران در ۲۶ اکتبر ۲۰۲۴ است. اسرائیل با استفاده از توانمندی‌هایی که پیش‌تر برای ایران ناشناخته بود و هیچ سامانه‌ای برای شناسایی یا مقابله با آن‌ها نداشت، صرفاً اهداف را هدف قرار نداد، بلکه ضربه‌ای روانی به تهران وارد کرد. این حمله به ایران نشان داد که آسیب‌پذیری بالایی نسبت به حملات بعدی دارد و توان حفاظت از مراکز حساس، از جمله سایت‌های هسته‌ای‌اش به‌شدت کاهش یافته است. دوم، آسیب گسترده حزب‌الله در پاییز ۲۰۲۴ است که یکی از اصلی‌ترین ابزارهای بازدارندگی ایران را، برای جلوگیری یا واکنش به حمله اسرائیل یا آمریکا، از میان برداشت. بر اساس گزارش‌ها، پیش از آغاز جنگ غزه که با حملات تروریستی حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ کلید خورد، حزب‌الله بیش از صد هزار راکت و موشک در اختیار داشت که هزاران مورد از آن‌ها هدایت‌شونده و قادر به هدف‌گیری نقاط استراتژیک و مراکز جمعیتی بودند؛ به‌گونه‌ای که می‌توانستند سامانه‌های دفاع هوایی اسرائیل را در هم بشکنند. پس از تضعیف قابل توجه حماس در غزه، اسرائیل تمرکز خود را به شمال معطوف کرد و با استفاده از پیشرفته حزب‌الله را پیش از آماده‌سازی برای شلیک، نابود کرد. نتیجه آن است که برای نخستین بار در سال‌های اخیر، اسرائیل از نگرانی بابت بارش گسترده موشک‌های حزب‌الله در پاسخ به عملیات علیه ایران رها شده است. آن بازدارندگی از بین رفته است. آمریکا ممکن است تصمیم بگیرد به‌تنهایی حمله کند، با هدف به عقب راندن برنامه هسته‌ای ایران برای مدتی قابل توجه. هرچند که این تصمیم هنوز در مرحله بررسی است، اما ورود دومین ناو هواپیمابر به منطقه که قرار است ناو اول را که در حال مقابله با حوثی‌هاست، تقویت کند، نشان‌دهنده توانمندی ارتش آمریکا در اعزام سریع انواع تجهیزات برای سناریوهای مختلف است. از سوی دیگر، ترامپ ممکن است با چارچ سبز به بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، موافقت خود را با حمله اسرائیل اعلام کند. اسرائیل احتمالاً ناگزیر خواهد بود در مناطقی فعالیت کند که به نیروهای آمریکایی نزدیک هستند و همین امر نیاز به هماهنگی یا جلوگیری از تداخل نظامی را ایجاد می‌کند. اسرائیل همان‌طور که در حملات اکتبر ۲۰۲۴ نشان داد، توانمندی‌هایی قابل توجه دارد، نه لزوماً مشابه آمریکا، اما مؤثر و حتی شگفت‌انگیز. در چنین حالتی، آمریکا و اسرائیل باید درباره هدف این عملیات توافق کرده و میزان توان اسرائیل در دستیابی به آن را ارزیابی کنند. کارآمدترین گزینه ممکن است عملیات مشترک آمریکا و اسرائیل باشد. طی چهار سال گذشته، اسرائیل به‌شکل گسترده‌ای در ساختار فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا (CENTCOM) ادغام شده و همین موضوع سطح هماهنگی نظامی میان دو کشور را به‌شدت افزایش داده است. از زمان حمایت قوی دفاعی آمریکا از اسرائیل پس از حملات ۷ اکتبر، اعتماد دوجانبه نظامی در سطح بی‌سابقه‌ای قرار گرفته است. حمله‌ای مشترک که وظایف کلیدی را میان دو کشور تقسیم کند و از قابلیت‌های منحصر به فرد هر کدام بهره‌برد، می‌تواند بیشترین آسیب را به برنامه هسته‌ای ایران وارد کند و در عین حال، انگیزه و توان واکنش ایران را محدود نماید. ترامپ احتمال می‌دهد که سناریوی محتمل‌تر، حمله‌ای با ابتکار عمل اسرائیل و مشارکت آمریکا باشد. هر عملیات نظامی‌ای با ریسک همراه است و ایالات متحده باید از هم‌اکنون برای حفاظت از نیروهایش، متحدان و شرکایش، از جمله اسرائیل و کشورهای حاشیه خلیج فارس، آماده باشد. محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس ایران، هشدار داده که در صورت حمله آمریکا، ایران به نیروهای آمریکایی و کشورهای میزبان آن‌ها در خلیج فارس حمله خواهد کرد. ایران زرادخانه گسترده‌ای از موشک‌های بالستیک دارد که می‌تواند این مناطق را هدف قرار دهند. همچنین، ایران پیش‌تر دویار تصمیم خطرناک حمله مستقیم از خاک خود به اسرائیل را گرفته است. بنابراین، حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران نیازمند آمادگی‌های دفاعی، از جمله تقویت سامانه‌های پدافندی است. برخی از این آمادگی‌ها ممکن است آشکار باشند و خود به‌منوعی بازدارنده عمل کنند، یا حتی در بهترین حالت، به گرفتن امتیازات دیپلماتیک در لحظات پایانی بینجامد که شاید حمله را منتفی کند. اما اگر تصمیم به حمله گرفته‌شده، رهبران باید آماده اجرای کامل آن باشند.»



بازدارندگی نفتی

تهدید ایران برای بستن تنگه هرمز تا چه میزان عملی است؟

و عربی یا اختلال در سفرهای دریایی برای اعمال فشار بر واشنگتن و تل‌آویو در دوره‌های افزایش تنش استفاده کرده است. مسدود کردن یا ایجاد اختلال در ترافیک در این تنگه، یک بخش کلیدی از استراتژی ایران برای بازدارندگی در مقابل اقدام نظامی ایالات متحده و اسرائیل است. با توجه به تضعیف گروه‌های مورد حمایت ایران در منطقه و سقوط فشار اسد در سوریه، نفوذ منطقه‌ای ایران و استراتژی دفاع پیش‌رونده ایران در یک سال گذشته آسیب‌های جدی متحمل شده است. از سوی دیگر، گزارش‌های اخیر حاکی از آن است که اسرائیل، به واسطه موفقیت‌های نسبی که در تضعیف حماس و حزب‌الله به دست آورده جسارت بیشتری یافته و با توجه به حمایت ترامپ از تل‌آویو، فرماندهان نظامی اسرائیل در حال آماده‌شدن برای حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران در سال ۲۰۲۵ هستند. البته در این مسیر اسرائیلی‌ها روی حمایت ترامپ حساب باز کرده‌اند. از آنجایی که تلاش‌های دیپلماتیک برای کاهش تنش‌های بین واشنگتن و تهران همچنان به نتیجه‌ای نرسیده است، ایران بار دیگر تهدیدات خود مبنی بر بستن تنگه هرمز را تکرار کرده و استراتژی قدیمی خود را به رخ می‌کشید، خصوصاً اینکه ایران نسبت به یک دهه گذشته به مراتب احساس آسیب‌پذیری بیشتری دارد.

ایران در سال‌های گذشته حضور دریایی و نظامی خود را در اطراف تنگه هرمز تقویت کرده است، و نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در جنگ‌های نامتقارن، استفاده از قایق‌های تندرو برای حمله سریع، پهپادها، مین‌گذاری، جنگ الکترونیک و حملات موشکی ضدکشتی تخصص دارد. در عین حال، نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران از کشتی‌های جنگی، زیردریایی‌ها و نیروهای گشت دریایی بزرگ‌تر برای تزریق نفوذش در خلیج فارس بهره می‌برد. این نیروها، همگی توسط باتری‌های موشکی ساحلی، پایگاه‌های دریایی در بندرعباس، قشم، ابوموسی، جاسک و چابهار پشتیبانی می‌شوند.

البته ایالات متحده نیز از طریق ناوگان پنجم مستقر در بحرین، ناوهای هواپیمابر، ناوشکن‌های مسلح به موشک‌های هدایت‌شونده، کشتی‌های رزمی ساحلی و هواپیمای‌های شناسایی Poseidon A-P، حضور خود را در خلیج فارس حفظ کرده است. سایر متحدان غربی آمریکا از جمله بریتانیا، فرانسه و دیگران نیز از طریق ناوهای جنگی، جنگنده‌های گشت‌زنی، و به اشتراک گذاشتن اطلاعات به واشنگتن کمک می‌کنند. کشورهای عربی منطقه مانند عربستان سعودی، امارات متحده عربی و بحرین نیز دفاع ساحلی، قایق‌های گشت دریایی و سیستم‌های دفاع هوایی پیشرفته خود را در اختیار دارند. البته ایران سابقه رهگیری کشتی‌های تجاری در تنگه هرمز را دارد که آخرین مورد آن کمتر از دو هفته پیش رخ داد و نیروهای ایرانی دو نفتکش خار جی را که مشخص شد گازوئیل قاچاق می‌کردند، توقیف کردند.

▼ جنگ نفتکش‌ها، سابقه درگیری ایران در خلیج فارس

در طول جنگ ایران و عراق در دهه ۶۰، طرف‌ها درگیر جنگی شدند که به جنگ نفتکش‌ها معروف شد. در این جنگ نفتکش‌ها و کشتی‌های طرفین در خلیج فارس هدف قرار گرفتند. هدف از این درگیری ایجاد اختلال در صادرات نفت طرفین و کاهش درآمدهای نفتی برای پشتیبانی از اقدامات جنگی بود. در این درگیری بیش از ۴۰۰ حمله به کشتی‌های تجاری صورت گرفت و همین امر نوسانات قابل توجهی در بازارهای جهانی نفت ایجاد کرد. این ناامنی موجب شد که حق بیمه برای مسیرهای کشتیرانی در خلیج فارس به میزان

تحلیل هم‌میهن

آرمین منتظری

دبیر گروه دیپلماسی و بین‌الملل

در صورت به نتیجه نرسیدن مذاکرات ایران و آمریکا، تنش بین اسرائیل، ایالات متحده و ایران افزایش خواهد یافت و در چنین شرایطی، احتمال حمله نظامی به تأسیسات نظامی ایران وجود خواهد داشت. چنین حمله‌ای به‌طور حتم با پاسخ ایران مواجه خواهد شد و در نخستین گام، کشتیرانی در تنگه هرمز دچار ناامنی شده، افزایشی شدید در قیمت‌ها رخ داده و اختلالات تجاری ایجاد خواهد شد. اگر این شرایط ادامه یابد، به‌مرور زمان کشورهای حاشیه خلیج فارس مجبور خواهند شد مسیرهای جایگزینی برای صادرات نفت خود بیابند.

تنگه هرمز به‌عنوان یک آبراه حیاتی، خلیج فارس را به دریای عرب متصل می‌کند و عرض آن تقریباً ۵۵ تا ۹۵ کیلومتر است. به دلیل اهمیت استراتژیک این تنگه برای تجارت جهانی و ترانزیت انرژی، این تنگه به لحاظ ژئوپلیتیک، همواره نقطه‌ای بحرانی در روابط ایالات متحده و ایران بوده است. روزانه حداقل ۳۰ درصد نفت خام معامله‌شده در دنیا، از این تنگه عبور می‌کند. در سال‌های گذشته با توجه به اهمیت این تنگه برای بازارهای جهانی نفت، ایران بارها تهدید کرده که این تنگه را در چارچوب بخشی از رقابت گسترده‌ترش با ایالات متحده، اسرائیل و همسایگان حاشیه خلیج فارس، خواهد بست. آخرین تهدید ایران در این خصوص کمی بیشتر از دو ماه پیش مطرح شد. حسین سلامی، فرمانده سپاه پاسداران پس از امضای یادداشت اجرای دونالد ترامپ درباره اعمال فشار حداکثری بر ایران، تهدید کرد که ایران توانایی بستن تنگه هرمز را دارد. هدف ترامپ از امضای آن یادداشت، اعمال حداکثر فشار اقتصادی بر ایران - از جمله با هدف به صفر رساندن صادرات نفت - به منظور وادار کردن ایران به مذاکره برای توافق جامع‌تر هسته‌ای و محدود کردن نه‌تنها برنامه هسته‌ای، بلکه همچنین نفوذ منطقه‌ای، برنامه موشک‌های بالستیک و حمایت از گروه‌های مورد حمایت ایران در منطقه بود.

▼ اهمیت تنگه هرمز چقدر است؟

تنگه هرمز یکی از باریک‌ترین تنگه‌ها برای کشتیرانی جهانی است. بر اساس داده‌های صندوق بین‌المللی پول، هر سال بیش از ۳۰ هزار کشتی از این تنگه عبور می‌کنند. بر اساس گزارش اداره اطلاعات انرژی ایالات متحده، در سال ۲۰۲۲، روزانه حدود ۲۱ میلیون بشکه نفت از تنگه هرمز عبور کرده که ۲۱ درصد از کل مصرف روزانه نفت جهان را تشکیل می‌دهد. بر اساس داده‌های بلومبرگ، در سال ۲۰۲۴، نفتکش‌ها تقریباً ۵/۱۶ میلیون بشکه در روز نفت خام و میعانات گازی را از عربستان سعودی، عراق، کویت، امارات متحده عربی و ایران از طریق این تنگه حمل کردند.

تهدید درازمدت ایران به محاصره یا استفاده از ابزارهای دیگر برای حمله یا مداخله در عبور کشتی‌ها از تنگه هرمز با هدف بازدارندگی در مقابل اسرائیل و ایالات متحده از حمله مستقیم علیه ایران مطرح می‌شود اما تغییرات منطقه‌ای اخیراً که در موازنه قوای منطقه‌ای تأثیر داشته، موجب شده ایران این تهدید را اخیراً تکرار کند. ایران سال‌هاست حضور دریایی قابل توجهی در تنگه هرمز دارد و از حضور خود به‌عنوان ابزاری قهری برای تهدید به محاصره فیزیکی این تنگه، و در صورت نیاز، حمله به کشتی‌های تجاری و نظامی غربی

قابل توجهی افزایش یابد. این اختلالات، کشورهای عمده واردکننده نفت را مجبور کرد به دنبال منابع و مسیرهای جایگزین برای به حداقل رساندن اختلالات زنجیره عرضه نفت باشند. در جولای سال ۱۹۸۷، ایالات متحده با پرچم‌گذاری مجدد نفتکش‌های کوبینی تحت پرچم ایالات متحده و ارائه خدمات اسکورت دریایی برای اطمینان از عبور ایمن محموله‌های نفتی، در این درگیری مداخله کرد. واشنگتن تا حدودی در محافظت از کشتی‌های تجاری موفق عمل کرده اما نتوانست به‌طور کامل در مقابل ایران بازدارندگی ایجاد کند و نیروهای ایرانی توانستند نفتکش SS Bridgeton را در ۲۴ جولای سال ۱۹۷۸ با استفاده از مین‌های دریایی منفجر کنند. این تحولات اهمیت استراتژیک خلیج فارس در زنجیره تأمین انرژی جهان را برجسته کرد و آسیب‌پذیری تجارت نفت در برابر درگیری‌های منطقه‌ای را بار دیگر نشان داد.

تحریم‌های شدیدتر ایالات متحده علیه ایران احتمالاً تهران را به سمت اقدامات تهاجمی‌تر هسته‌ای سوق خواهد داد و این موضوع ممکن است خطر حمله اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران را افزایش دهد و این حمله احتمالاً از سوی آمریکا حمایت خواهد شد. چنانچه چنین حمله‌ای رخ دهد به طور قطع ایران تهدیدات خود را در تنگه هرمز عملی خواهد کرد. البته نه لزوماً علیه کشورهای حاشیه خلیج فارس.

اگر مذاکرات به نتیجه ملموس نرسد، در هفته‌ها و ماه‌های آینده، سیاست‌های فشار حداکثری ایالات متحده بیشتر تشدید می‌شود. در صورت تشدید فشار، پیشرفت دیپلماتیک در سایه قرار خواهد گرفت و ایران به میز مذاکره باز نخواهد گشت. تشدید فشارها همچنین موجب خواهد شد که موضع تندروهای مخالف مذاکره در ایران تقویت شود. آنها احتمالاً از اتخاذ سیاست‌های هسته‌ای تهاجمی‌تر، غنی‌سازی بیشتر اورانیوم با غنای نزدیک به سطح تولید بمب حمایت خواهند کرد چراکه معتقدند این سیاست تنها ابزار بازدارندگی در مقابل فشار اسرائیل و آمریکا است. در چنین شرایطی تندروها در ایران با مذاکره تحت فشار مخالفت شدید خواهند کرد.

از سوی دیگر با توجه به اینکه اسرائیل موضع مستمر جنگ‌طلبانه دارد و ایران را به طور فزاینده‌ای آسیب‌پذیر می‌بیند، احتمال اقدام پیشگیرانه نظامی افزایش خواهد یافت. در عین حال، دولت کنونی ترامپ نشان داده که در خصوص تصمیمات ریسکی، بسیار پذیرا تر است. کمپین نظامی اخیر آمریکا علیه حوثی‌های یمن موید این تمایل است. این عوامل در کنار هم، خطر حمله پیشگیرانه اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران را افزایش می‌دهد. حتی ممکن است نه‌تنها تأسیسات هسته‌ای ایران بلکه زیرساخت‌های نفت و گاز ایران نیز هدف قرار بگیرند. اگر چنین اتفاقی بیفتد، ایران مجبور خواهد شد که نه‌تنها با حمله مستقیم به اسرائیل، بلکه با عملی کردن تهدیدات علیه ترافیک دریایی در خلیج فارس، انتقام بگیرد. این سیاست شامل حمله به تانکرهای نفتی و دارایی‌های نظامی در تنگه هرمز با هدف مختل کردن تجارت جهانی نفت و باال بردن قیمت‌ها تا حدی است که ایالات متحده را مجبور به کاهش تنش کند. علاوه بر انتقام‌جویی مستقیم ایران، نیروهای مورد حمایت ایران در عراق و حوثی‌ها در یمن که بار دیگر محاصره دریایی دریای سرخ را از سر گرفته‌اند، احتمالاً زیرساخت‌های نفت و گاز در منطقه را هدف قرار خواهند داد. با این حال، روابط عادی ایران با عربستان سعودی و امارات متحده عربی نشان می‌دهد که حملات تلافی‌جویانه علیه کشورهای خلیج فارس بعید است بخشی از واکنش اولیه ایران و متحدانش باشد. به‌ویژه اگر این کشورها بی‌طرف بمانند، این امر به‌ویژه در صورتی صادق است